

تصویر خواجه نصیر طوسی

(کار استاد هنرمند آقای ابوالحسن صدیقی)

انتشارات دانشگاه تهران

یادبود هفتصدمین سال خواجه نصیر طوسی

سه گفتار خواجهٔ طوسی

دربارهٔ چگونگی پدید آمدن

چند چیز از یکی

و سازش آن با قاعدهٔ

«آفریده نشدن بسیار از یکی»

یا

«الواحد لا یصدر عنه الا الواحد»

«Ex uno non fit nisi unum

بکوشش

محمد تقی دانش‌پژوه

خرداد ۱۳۳۵

چاپخانهٔ دانشگاه

فهرست مطلب ها

دیگر بس (ذی‌مقراطیس) میگوید که «یکی نشاید از دو پیدا شود چنانکه از یکی دو پدید نگردد»[1] .

ارسطو این سخن را از او دانسته و باز هم گفته است که «هستی یگانه جز هستی و یگانگی نپیوندد»[2] .

او و ابن رشد باز آشکارا از قاعدهٔ «آفریده نشدن بسیار از یکی» یاد کرده‌اند[3] .

فیلسوفان الئائی مانند زنون (Zenon) و شکاکان مانند انسیدموس Aenesidemus نیز چنین سخنی داشته‌اند .

بلوتینوس یا افلوطینوس شیخ یونانی در انئاد یا تاسوعات (V.3.15,16) در این زمینه بخوبی کاوش نموده و در آغاز بند ۱۵ بخش ۳ تاسوع ۵ چنین گفت که «چگونه میشود که یک چیز ساده چند چیز بیافریند»[4] در میمر دهم ثولوجیا که بنام اثولوجیا خوانده میشود و گزیده‌ای است از انئاد و بدروغ از ارسطو پنداشته‌اند نیز از این قاعده یاد شده و در آغاز آن دارد «کیف یمکن ان یکون الاشیاء من الواحد المبسوط الذی لیس فیه ثنویة و لا کثرة بجهة من الجهات»[5]

۱ـ ارسطو در الهی B13.1039a9 این سخن را از او آورده است (ماوراءالطبیعه ابن رشد چاپ بوئیژ ص ۹۷۰ که دارد : لایمکن ان یکون واحد من اثنین او اثنان من واحد ـ ترجمهٔ فرانسوی تریکو الهی ۱:۲۹۴)

۲ـ الهی Z.4.1001a27 (تریکو ۱:۹۸ـ ابن رشد ص ۲۶۲ که در این دو جا او ما سخن ارسطو را درست دریافته است)

۳ـ الهی Λ. 2. 1069b30 (تریکو ۲:۱۵۶ ـ ابن رشد ص ۱۱۴۱ ـ ۱۱۴۸) .

۴ـ ترجمهٔ فرانسوی بریهیه ۵:۶۹-۷۲

۵ـ ص ۲۹۳ چاپ تهران در هامش قبسات. فهرست دانشگاه ۳:۲۱۶

این قاعده برای نوافلاطونیان در زمینهٔ مسئلهٔ آفرینش Emanation مایهٔ دشواری و اشکال شده بود و آنها ناگزیر شدند که در این مسئله به ترتیب در تکثر (Gradual pluralization) بگرایند[1]. پس این قاعده که بتوسط ابن رشد، فارابی و ابن سینا و فیلسوفان متأخر از آن جانبداری کرده‌اند و برخی هم آنرا بدیهی پنداشته‌اند، با آفرینش این همه آفریدگان از خداوند سازگار نمی‌نماید، و ناگزیر باید ترتیبی در رستهٔ معلولات پنداشت و تصویر این ترتیب هم چندان آسان و دور از خرده‌گیری نیست[2]. غزالی و امام رازی از کسانی هستند که در تباه نمودن این قاعده بسیار کوشیده‌اند.
این بود که خواجهٔ طوسی باین قاعده بسیار ارج ننهاده و همواره در جستجوی راه‌حلی برای آن بود تا بتواند خرده‌ها که از آن گرفته‌اند و خود هم در تجرید و قواعدالعقائد و فصول پاره‌ای از آنها اشاره نموده است پاسخ گوید. در این زمینه او از اثیرالدین ابهری پرسیده است بدینگونه:
«اگر سبب صدور معلولات متکثرهٔ غیر مترتبه در سلسلهٔ ایجاد از علت اولی، وجوه کثیره‌ای که معلول اول را لازم است باشند، مانند وجود، و امکان، و تعقل خود، و مبدأ خود، چنانکه محصلان و متأخران تقریر داده‌اند، سخن

۱- بنگرید به ترجمهٔ انگلیسی تهافت التهافت ابن رشد از Simon Van Den Bergh چاپ ۱۹۵٤ لندن ۲ : ٦۳ و ۷۱

۲- برای این قاعده گذشته از شفا و اشارات و تعلیقات و نجات و دانشنامه و تحصیل بهمنیار و بیان الحق لوکری بنگرید به تهافت غزالی و تهافت التهافت ابن رشد (مسئلهٔ سوم) - معتبر بغدادی ۳: ۱٤۸ تا ۱٦۸ - مباحث مشرقیه ۱: ٤٦۰ و ۲: ۵۰۱، و در ٤٦٦/۱ است که با ابن سینا در این باره میتازد - ملخص رازی و نقد طوسی ص ۱۰۵ و ۱٤۵ که از خرده‌گیریهای رازی در اینجا پاسخ گفته و از فیلسوفان جانبداری نموده است - قبسات داماد در قبس نهم ص ۲۲۸ که سخنان فیلسوفان در آن آمده است - اسفار شیرازی موقف نهم از حکمت مجلد سوم و کتابهای دیگر او

در کیفیت لزوم آن کثرت، در معلول اول، نه بر طریق ترتیب (است). با تجویز صدور کثرت از واحد فقط دفعه، یا اثبات مبدأ دیگر غیر علت اولی، و عدم احتیاج غیر علت اولی بعلت اولی در وجود، لازم آید. و بر طریق ترتیب، لازم آید که معلول اول معلول اول نبود. و اگر بعضی از آن امور، عدمی فرض کنند، لازم آید که عدمیات مبادی اولی موجودات بوده باشد. پس سد باب اثبات وجود علت اولی لازم آید. اگر از آنجا که در مباحث است بعضی از آن مضایق اشارت رود از آن کمال فضل بدیع نباشد» (س ۸۷۱ گ ۱۵۹ ب و س ۱۰۳۵ ص ۱۰٤ دانشگاه، ص ۳۸۱ جلد ۳ فهرست دانشگاه از نگارنده) گرچه ابهری گویا باین پرسش پاسخی نداده است.

طوسی از شمس‌الدین خسروشاهی هم در همین زمینه پرسیده است بدینگونه :

«ان کان سبب صدور الکثیر عن العلة الواحدة الاولی، کثرة فی ذات المعلول الاول کالوجوب، و الامکان، و التعقل، علی ما قیل؛ فمن این جائت الکثرة؟ ان صدرت عن العلة الاولی؛ فلا یخلوا اما ان صدرت معا، او علی ترتیب. فان صدرت معا؛ لم یکن سبب صدور الکثرة عن العلة الاولی، کثرة فی ذات المعلول الاول؛ و ان صدرت علی ترتیب، لم یکن المعلول الاول معلولا اولا؛ و ان لم یصدر عن العلة الاولی، فمن الجائز ان یحصل کثرة من غیر استناد الی العلة الاولی؛ و کلها محال. فما وجه التفصی عن هذه المضائق» (نسخهٔ خطی دانشگاه س ۱۰۳۰/۹ ـ هامش شرح هدایهٔ صدرای شیرازی ص ۳۸۵ ـ هامش مبدء و معاد صدرای شیرازی ص ۳۷۵).

خسروشاهی گویا بدو پاسخ نداد و در سدهٔ ۱۱ صدرای شیرازی و سیداحمد عاملی در پاسخ او برونش فلسفی بحثهایی کرده‌اند (س ۱۰۳۰/۹ و ۱۰۷۹/۲۹ دانشگاه ص ۱۷۹ و ۱۸۹ فهرست نگارنده)

یکی از پرسشها که صدرالدین قونوی از خواجهٔ طوسی کرده است هم همین مسئله است که چهارمین آنها است و او بررسی فلسفی با استدلال کمّی منطقی بدو پاسخ گفته است (ش ۴۶۸۱ ملک که جُنگی است دارای رسالهٔ منطق افضل الدین کاشی و رساله های طوسی و دیگران ـ ش ۱۰۲۲/۹ دانشگاه ص ۱۸۷ فهرست).

طوسی در نمط ششم شرح اشارات نگارش صفر ۶۴۴ از همین مسئله گاوش نموده و دشواری آنرا از راه ریاضی و فلسفی برداشته است[1] گذشته از اینها سه گفتار دیگر بهمین روش ریاضی از او در دست هست. نخست همانکه در نسخهٔ ش ۴۴۸۱ کتابخانهٔ ملک گ ۴۳ پ هست بدینگونه:

«انما فائده اخری له، وهی فی کیفیة صدور الکثرة عن المبدأ الواحد، مع القول: بان الواحد لا یصدر عنه الا الواحد: المبدأ الاول الواحد وهو ا. المعلول الاول الصادر من ا و هو ب. معلول ا مع ب و هو ج.

۱. چنین است گفتار او در شرح اشارات

«فاذا فرضنا مبدء اول ولیکن ا؛ وصدر عنه شئی واحد ولیکن ب، فهو فی اولی مراتب معلولاته. ثم من الجائز ان یصدر عن ا بتوسط ب شئی ولیکن ج؛ و عن ب وحده شئی و لیکن د، فیصیر فی ثانیة المراتب شیئان لاتقدم لاحد هما علی الآخر. وان جوزنا ان یصدر عن ب بالنظر الی ا شئی آخر؛ صار فی ثانیة المراتب ثلثة اشیاء. ثم من الجائز ان یصدر عن ا بتوسط ج وحده شئی، و بتوسط د وحده ثان، و بتوسط ج د معا ثالث، و بتوسط ب ج رابع، و بتوسط ب د معا خامس، و بتوسط ب ج د سادس؛ و عن ب بتوسط ج سابع، و بتوسط د ثامن، و بتوسط ج د معا تاسع، و عن ج وحده عاشر، و عن د وحده حادی عشر، و عن ج د معا ثانی عشر، و یکون هذا کلها فی ثالثة المراتب. ولو جوزنا ان یصدر عن السافل بالنظر الی ما فوقه شئی، و اهملنا الترتیب فی المتوسطات التی تکون فوق واحدة، صار ما فی هذه المرتبة اضعافا مضاعفة. ثم اذا جاوزنا هذه المراتب، جاز وجود کثرة لا یحصی عددها فی مرتبة واحدة الی ما لا نهایة له. و هکذا یمکن ان یصدر اشیاء کثیرة فی مرتبة واحدة عن مبدء واحد.

معلول ب وحده و هو د. ففی المرتبة الاولی من المعلولات واحد، و فی المرتبة الثانیة منها اثنان، و فی المرتبة الثالثة اثنی عشر: معلول ح وحده وهو ه. معلول د وحده وهو و. معلول ج مع د وهو ز. معلول ب ج معاوهو ح. معلول ب د معاوهو ط. معلول ب ج د وهو ی. معلول ا ج معاوهو یا. معلول ا د معاوهو یب. معلول ا ج د معاوهو یج. معلول ا ب ج معاوهو ید. معلول ا ب د معاوهو یه. معلول ا ب ج د معاوهو یو. و اذا ازدادت المراتب زاد عدد المعلولات التی تکون فی مرتبة واحدة الی ما لا یتناهی. و ذلک ما اردناه.

دوم پاسخی است که طوسی در همین زمینه به پرسش قاضی هرات که با عنوان قاضی فخرالدین محمد بن عبدالله بناری قاضی هرات داده است (سرگذشت طوسی از آقای مدرس رضوی ص ۲۶۲).

جوابان مسئلتان احدیهما عن کیفیة صدور الموجودات عن مبداها الاول الواحد تعالی و ثانیهما عن کیفیة علمه بالجزئیات علی رأی الحکماء والجواب عنهما من تحریرات مولانا سلطان الحکماء نصیر الحق والدین الطوسی:

بسم الله الرحمن الرحیم.

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی محمد و آله الطاهرین. یقول محرر هذه الاسطر احوج خلق الله الیه محمد بن محمد الطوسی: سألنی مولانا قاضی القضاة بهراة ملک العلماء قدوة المحققین فخر الملة والدین شمس الاسلام والمسلمین سید الافاضل المتأخرین افضل الآفاق ادام الله علوه و جری من مجلسه حین استسعدت بخدمته واستفدت من نتایج فکره و غرر بحثه و ذلک فی شهور سنة سبعین و ستمائة عن قول الحکماء فی کیفیة صدور الموجودات

عن مبداها الاول وعن مذهبهم فی علمه تعالی الجزئیات. فان اقاویل المحققین فیهما مختلفة والاشکالات الوارده علی کل قول منها متکرره وما ینقله العوام عنهم فیهما واشتهر بین الجمهور من رایهم المعلق بهما لیس مما یرتضیه ادنی انظار المبتدئین فضلا عن منتهی المحققین فی غوامض المسائل.

فاردت ان اجیب عن سؤاله امتثالاً لاشارته وان کانت العوائق کثیره، والشواغل متراکمه، والخاطر منقسم، والاذهان مشوش، والزمان غیر مساعد، والحال غیر ملائم. حررت ما اقتضاه الوقت وحضر فی الحال، راجیا ان اعود واکتب فی اوان الفراغ تذکرا وافیا بما طلبه وشرحا کافیا لما قصده، مستعینا بالله وحده مفیض العقل وملهم الصواب. فاقول: اما المطلوب (الاول) فالمقدم له مقدمة هی: ان کل کثرة مفتقره الی الواحد، بل الی الاحاد التی تلتئم منها تلک الکثره، فاذن هی محتاجه الی مبادیء والی مبادی. فکل محتاج الی المبداء الاول، لا یصلح لان یکون اول المبادی. فاذن المبداالاول لا یمکن ان یکون الا واحدا. والواحد الحقیقه الذی یصلح لان یکون مبداء اولا، لا یمکن ان یکون مشتملا علی کثره فی ماهیته، ولا ان یکون معه کثرة خارجه عن ماهیته مفتقره فی مبادئه. واذا کان فی هذه الصفة، فلا یمکن ان تعارضه صفات ولا اجزاء ولا اعتبارات مختلفه ولا اضافات ولا سلوب. فان جمیع ذلک یقتضیه کثره لا محاله. واذا تقررت هذه المقدمه، فاقول الواحد بالصفة المذکوره لا یمکن ان یصدر عنه الا واحد بلا اعتبار غیر ذاته. لانه اذا صدر عنه شیئان، کان اعتبار صدور احدهما عنه غیر اعتبار صدور الاخر عنه، لکونهما متغایرین. فیکون معه اعتباران او حیثیتان؛ وقد فرضنا نفیهما. هذا خلف. و هذا معنی قول الحکماء لا یصدر عن الواحد باعتبار واحد الا واحد. اما اذا تکثرت الاعتبارات او الحیثیات واتکاسیت ... امکن صدور الکثره عن الواحد ... او الحیثیات ... الصباح ...

دسم اسغل بصبعه فصير وجودتى سببا لفعل غير الفعل الاول. وايضا النار الواحد يعمل تسويدا في الحطب، وتبيضا في الفحم و تسخيناً في الماء، و تجفيفاً في الطين، و كل ذلك الاختلاف لاختلاف المواد. ومن اراد مسكناً؛ قصد بناء بيت ثم اراد للبيت بابا وللباب غلقاً و للغلق مادة و صانعا الى غير ذلك. وانما يشتغل باتخاذ شيء بعد شيء لانضياف تخلاف مرتبة الى قصده الاول. وبالجملة يوجد لذلك امثلة كثيرة. واذا ظهر ذلك فاقول:
اذا صدر عن المبداء الاول الواحد واحد في المرتبة الاولى من مراتب الصدور؛ امكن ان يتكثر الاعتبارات في المرتبة الثانية. فلا يحدث لكل واحد من المبدء والصادر اضافة الى الاخر، هي امر يعقل في كل واحد منهما بالقياس الى الاخر ويسلب عن الاخر، وهو يعقل بري كل واحد منهما عن ان يدخل في معقوليةالاخر، ويحدث لهما اشتراك في الوجود اعني الكون في الاعيان، وامتياز بينهما هو بامر زايد على المشترك في الصادر، ويعبد المشترك بعدم انضمام شيء اليه في المبداء. و لاشك في ان هذه الامور تعقلات متكثره لازمة بعد صدور الصادر الاول عن المبدا الاول. وتلك الكثرة، وان لم تكن تصلح لان تكون مبادي امور وجوديه في الاعيان؛ لكنها صالحة لان يصدر عن المبداء الاول بانضمام كل واحد منها اليه موجود اخر. وبهذا الوجه يمكن ان يصدر عن المبداء الاول كثره. و لتوضيح ذلك نايراد مثال آخر. فليكن المبداء الاول ا، و الصادر الاول ب ومن ا بتوسط، ب، ج، ومن ب بالنظر الى ا د ومن ب وحده ه. وهذه ثلثه اشياء في المرتبة الثالثة من مراتب الصدور ثم يصدر من اج معاً و، ومن ا و معاً ز، ومن ا ه معاً ح، ومن ا ب ج معاً ط، ومن ا ب د معاً ي، ومن ا ب ه معاً ك، ومن ا ج د معاً ل، ومن ا ب ج ه معاً م، ومن ا ب د ه معاً

ن، ومن ا ب ج د ه معاً س، ومن ب ج معاً ع، ومن ب د معاً ف، ومن ب ه معاً ص، ومن ب ج د معاً ق، ومن ب ج ه معاً ر، ومن ب د ه معاً ش، ومن ب ج د ه معاً ت، ومن ج وحده ث، ومن د وحده خ، ومن ه وحده ذ، ومن ج د معاً ض، ومن ج ه معاً ظ، ومن د ه معاً غ، ومن ج د ه معاً لا

وهذه صورتها:

المرتبة الاولى من مراتب الموجودات : ا

المرتبة الثانية منها : ب

المرتبة الثالثة : ج د ه

المرتبة الرابعة: و ز ح ط ی ك ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ لا

وجميع ما يمكن ان يحصل في المرتبة الرابعة من الموجودات اربعة وعشرون و اذا جاوزت هذه المراتب صارت الصادر في مرتبة واحدة اكثر من ان يحصى. وقد ظهر من ذلك امكان صدور اشياء لا تحصى كلها معاً في مرتبة واحدة من المبداء الاول من غير تقدم البعض على البعض.

والمنقول من الحكماء انهم قالوا: في العقل الاول الصادر عن المبدا الاول اربع جهات: وجود من الاول وامكان من ذاته وتعقل للاول وتعقل لذاته. فصار بوجوده مبدأ الصورة فلك وبامكانه مبداء لمادته، وبتعقله الاول مبدا لعقل ثان، وبتعقله لذاته مبدأ النفس هي نفس ذلك الفلك وانما اوردوا ذلك على طريق التمثيل والتجوز لا على سبيل القطع والتحقيق وقد يلوح من ذلك للمستبصر بامثاله، ان وجوده هو الذي من هذه الاربعة [illegible] من المبداء الاول وحده، وهو بمنزلة ب في مثالنا . واما الامكان [illegible]

التی هی ما به یمتاز عن الاول ثم عن غیره الی وجوده. وهی اعنی الماهیة هی التی تحصل فیما تحصل فی المرتبة الثالثة منه بمنزلة ه. واما الامکان فبمنزلة ص، واما تعقله للمبداء الاول فقد حصل منه بالنظر الی مبداه وهو بمنزلة و، واما تعقله لذاته فانما تتحقق ذلک بافاضة المبداء الاول علیه ذلک العقل فهو بمنزلة ح. وقد بینا ان الاعتبارات العقلیة والسلوب تصلح لان تصیر المبداء الاول بانضمامها الیه مبداء لموجودات کثیرة. والحق الذی تقتضیه اصولهم: ان جمیع الموجودات صادرة عن المبداء الاول وانما تصدر عنه باعتبارات هی امور معقولة اوصافا کانت او اضافات او سلوبا. ومصدر الوجود ومبدع الکون هو لاغیر. وانما وصف بالقادریة من حیث تعلقه بالقیاس الی مقدوراته، وبالعالمیة من حیث تعلقه بالقیاس الی معلوماته وبالمریدیة من حیث تعلق عنایته المخصوصة للطرف الخاص بالوجود من طرفی الامکان دون الطرف الاخر. وکذلک القول فی سایر صفاته فهی لکونها امورا عقلیة متاخرة عن الکثرة تکون متاخرة عن صدور الکثرة. واتصاف الواجب بالصفات الممکنة لایثلم فی وجوبه. فهذا ما فهمته من مذهبهم فی کیفیة صدور الکثرة عن المبداء الاول الواحد الواجب لذاته تعالی وتقدس.

واما قولهم فی العلم بالجزئیات، فاقول فیه اولاً ان الاهم فی هذا الباب تحقیق حقیقة العلم. وذلک یشتمل علی اطناب مع مخالفة للمعتمدین منهم. وقد عرضت لشئی منه فی شرح الاشارات فی باب تحقیق علمه تعالی بغیره. فلنعرض عنه هیهنا ونشتغل بالمسئلة ونقول: العلم بالجزئیات اعنی المتشخصات الزمانیة والمکانیة قد یکون علی وجه کلی عقلی، وقد یکون علی وجه جزئی حسی اوخیالی. والاول یکون علی طریق الاحاطة بجمیع الزمان من الازل الی الابد، بما فیه من الاجزاء المفروضة وجمیع المتزمنات

المقارنة لزمان زمان، وجميع النسب الواقعة بينهما في التقدم والتأخر، ومقادير تقدم كل واحد على كل واحد مما يكون بعده وتأخره عما يكون قبله على ما هو عليه في الوجود، وبجميع الأمكنة السارية في الجهات وما تحويها تلك الأمكنة من الممكنات وجميع أوضاعها بنسبة البعض إلى البعض في جهة من جهاته كالفوق والتحت والقدام والخلف واليمين واليسار وما يتركب منها، وعلى كيفية الإشارات الحسية من كل واحد إلى كل واحد غير مقادير الامتدادات بينهما على ما هو الوجود. إنما سمي كليا؛ لأن ذلك إذا عقل مع جميع هذه الأوصاف، غير مقيد بأنها العلم بالموجودات الزمانية والمكانية التي في عالمنا هذا. يعني أن ذلك العقل هو تعقل كليات طبيعية، وإنما تنحصر جزوياته بأمر أنها تقيدها بأنها صورة هذا العالم. وهي كلية عندنا لأمر أنها بجوهر مطابقتها لصور عوالم غير هذا العالم هي أمثال هذا العالم. وعلمه تعالى من حيث صدورها عنه هكذا تخصيصها بأسرها فتنحصر جزوياته بهذا الاعتبار. وأما الوجه الثاني وهو العلم بالجزئيات على الوجه الجزوي الحسي أو الخيالي، فقد يكون كعلم أحدنا وهو في زمان بعينه بغيره من حيث كون ذلك الغير في زمان آخر بعينه، قبل ذلك الزمان أو بعده، مع العلم بمقدار ما بينهما من المدة؛ وذلك امتداد زماني بين معين ومعين فإنه إشارة منه إلى ذلك الآخر إشارة خيالية، مع العلم بأن أحدهما يكون ماضيا أو مستقبلا عند العالم بذلك العلم من حيث كونه في أحد ذلك الزمانين، أو كعلم أحدنا وهو في مكان بعينه بغيره من حيث كونه في مكان آخر واقع في جهة بعينه للمكان الأول، على وجه يصح منه الإشارة إلى ذلك الآخر. والإشارة إليه هي امتداد وهمي من ذي وضع إلى ذي وضع آخر [illegible] في جهة بعينها. وعلمه تعالى لا يتعلق بالموجودات الزمانية والمكانية على هذا الوجه. لامتناع كون ذاته [illegible] الأزمنة والأمكنة [illegible]

زمان اومکان بعینها .وکما لا یصح ان یوصف بانه ذائق اوشام و لامس لکونه غیر ذی آله جسمانیه؛ فکذلک لایصح ان یوصف بانه عالم بالجزئیات علی وجه جزوی .فان ذلک یقتضی کون العالم بها واقعاً فی زمان ومکان بعینها .حتی یصح منه ان یشیر الی غیره .فما هوفی زمان ومکان، غیرزمانه ومکانه؛و یکون اشارته امتداد آیته الیه خیالیا اوحسیا .وان تعسر علی من یرید ان یفهم ذلک، تصور موجود لافی زمان ومکان،فالمعتبر الحکم بان الواحد یصف الاثنین، من حیث امتناع اختصاصه بمکان اوزمان معینین ، فانه لایجوزان یقال ان الواحد نصف الاثنین فی هذه السنةاوفی هذه البلده ولا فی غیر هما من الازمنة والامکنه .فلیتامل ان مثل هذ الحکم الذی یحتاج الی شئی یتصوربهذا العلم فی نفس الامر ،لایمکن ان یختص بزمان اومکان معین ؛فکیف یجوزان یختص المتصور به بهما ؛وکیف یخصص مبدع الامکنة والازمنة بزمان اومکان هما متاخران عنه فی الوجود بمراتب کثیره .

واذ یمتنع اختصاصه بالازمنة والامکنةالمعینه ؛فکیف یتصور الاشاره منه الی زمان اومکان متعینین . واذا عرفت ذلک من طریق العقل،وصدقت به، فان ابی وهمک توهم ذلک،فعلیک ان لایقدح فی الحکم العقلی،بسبب امتناع الوهم عن قبول حکم لیس من شأنه ان یحکم به .ولنورد لذلک مثالا،وان کان بعیداعنه، وهو ان یفرض سجلا مکتوبا، یشتمل کتابته علی سطور، فیها کلمات متالفه من حروف ؛فالعالم بجمیع ما فی السجل من السطور و الکتاب والحروف دفعه ،یکون عالماً بما فیه علی وجه .والناظر فیه الذی ینتقل نظره من سطر الی سطر بل من کلمة الی کلمه ومن حرف الی حرف، بحیث یکون بعض السطور و الکلمات والحروف مما مر علیه وبعضهامما سیمر علیه من بعد، یکون عالماً بما فیه علی وجه جزوی، یشتمل علی ما خرج الی الفعل،وعلی ما هو بالقوه بعد .فلیتامل فیه ولیحکم بما یقتضیه العقل

الصریح، دون الوهم و الخیال انشاءالله. وهذا ما فهمته من قولهم علم المبداء الاول ما لجزئیات، یکون علی وجه کلی، لاعلی وجه جزوی زمانی، و ذلک ما اردت ایراده، فی جواب سئوالی مولانا العالم المحقق فخر الملة والدین شمس الاسلام والمسلمین قدوة العلماء المحققین سید افاضل المتأخرین قاضی القضاة، ادام الله علوه وحرس مجده. وان طابق مراده فهو المطلوب، وان توقف فی شئی من ذلک اعاد بفضله ذلک الموضع، لاوضح ما عندی فیه انشاءالله تعالی و هوولی التوفیق و الملهم للصواب منه المبداء والیه المآب. فرغ من کتابة مسودته فی ذی القعده سنه ست وستین وستمائة هجریه حامدا و مصلیا مسلماً و داعیا ومستغفرا (از روی نسخهٔ ش ۱۰۷۹/٤ دانشگاه - ص ۱۸۷ فهرست. نسخهٔ ملک ش ٤٦٨١ گ ۵۳ الف - ۵٤ الف نقل از خط طوسی بدو واسطه)

سوم رسالهٔ «علل و معلولات» که در آن هم بروش رواقی رفته و موشکافی بیشتری کرده است:

هذه رسالة اخرجها المولی السعید المحقق العلامة افضل المتأخرین نصیر الحق و الدین الطوسی، رحمه الله فی العلل والمعلولات.

بسم الله الرحمن الرحیم. مسئله:

قال الحکماء: «المبدأ الاول لجمیع الموجودات واحد، تعالی ذکره، وان الواحد لایصدر عنه الاواحد».

قیل لهم: فان کان هکذا، وجب ان یکون معلولاته، واحدا بعد واحد، متسلسله الی المعلول الآخر، وحینئذ لایمکن ان یوجد شیئان الاویکون احدهما علة للآخر، بوسط او بغیر وسط.

قالوا اتفاقا: ان الواحد لایصدر منه من جهة واحدة الاواحد. اما اذا تکثرت الجهات فقد یصدر عنه من ذلک الجهات [illegible]

مناقضاً لقولنا: «لا يصدر عنه الا واحد».

قالوا: و المعلول الاول الذي هو عقل اول فيه جهات كثيرة: احدها وجوده الصادر عن المبدأ الاول، والثاني ماهيته التي يقتضيها غيريته للاول، والثالث علمه بالاول، والرابع علمه بذاته،

قالوا: ويمكن ان يصدر عنه من هذه الجهات اربعة اشياء: عقل ثاني؛ وهيولي؛ و صورة، يتركب عنهما فلك هو اعظم الافلاك، ونفس تدبر ذلك الفلك و يحركه. ثم يصدر عن ذلك العقل عقل، و فلك، و نفس، و هكذا الى ان يصير المعقول عشرة، و الافلاك تسعة؛ و يصدر عن العقل الاخر هيولي عالم الكون و الفساد، والصور المتعاقبة فيها على تفصيل ذكروه.

قيل لهم: هذه الجهات التي في العقل الاول ان كانت موجودات متغايرة؛ فقد صدر عن المبدأ الاول كثرة؛ وان لم تكن موجودات فكيف يعقل صدور الاشياء، عن شيء واحد من جهات لا وجود لها. ثم انكم تقولون: ان الافلاك، وفيها كواكب ثابتة لا تحصى (و) كواكب سيارة، فجميع هذه من اين جاء و ما عللها. و طال النزاع بين الفريقين كما هو المشهور بين النظار.

اقول: و يمكن ان يصدر عن المبدأ الاول، على قواعد الحكماء، كثرة غير مترتبة بوسائط قليلة؛ و لا يكون مع ذلك كل معلول الا علة موجودة؛ بانفرادها، غير امر اعتباري او جهة لا وجود (لها) بانفراد. فلكن المبدأ الاول: ا، و معلوله الاول: ب، و هو في اول مراتب المعلولات. ثم لنصدر عن ا مع ب، ج، و عن ب وحده د، فهما في ثانية مراتبها و هما معلولان غير مترتبين اي ليس احدهما علة للآخر. و مجموع المعلولات مع العلة الاولى اربعة: ا ب ج د؛ و اسميها بالمبادي. و ازدواجاتها الثنائية ستة هي: اب، اج، اد، ب ج، ب د، ج د، والثلاثية اربع: اب ج،

اب د ، اج د ، ب ج د . والرابعة واحدة ، هي : مجموع اب ج د . والجميع
خمسة عشر . و يمكن ان يصدر عن كل واحد من هذه ، مفردة كانت
او مزدوجة ، معلول : الا من ا وحده و من ب وحده و من اب معا . فإن
معلولات هذه الثلثة مذكورة في المرتبتين الاولى و الثانية . و يبقى اثنا عشر ،
منها اثنان فرادى هما : ج و د ، و خمسة ثنائية ، و اربعة ثلاثية ، و واحد
رباعي ؛ و معلولاتها اثنا عشر ، و هي في ثالثة مراتب المعلولات من غير ان
تتوسط المعين في صدور المعين . ثم في المرتبة الرابعة يحصل معلولات ،
يزيد عددها على خمسة وسبعين الفا . والعمدة على بيان ذلك مقدمة ، هي ان
نقول : اذا اعتبرنا في الاثنا عشر الافراد ، والازدواجات ثنائية و ثلاثية ،
و ما زاد عليها الى اثنى عشر ، حصل اربعة الاف و مائتان و خمسة و تسعون
عددا ؛ منها حاصل الافراد : ۱۲ ، و حاصل الثنائيات : ۶۶ ، و حاصل الثلاثيات :
۲۲۰ و حاصل الرباعيات : ۴۹۵ ، و حاصل الخماسيات : ۷۹۲ ، و حاصل
السداسيات : ۹۲۴ و السباعيات مثل الخماسيات ، اذ هي ترك خمسة من
الاعداد الاثنى عشر كما ان في الخماسيات اخذ خمسة ، و كذلك الثمانيات
مثل الرباعيات ؛ والتساعيات مثل الثلاثيات ، والعشاريات مثل الثنائيات ؛
والاحد عشريات مثل الافراد ؛ والاثنا عشري واحد لاغير . والاوضح لبيان ذلك
الاثنى عشر و هي : ه و ز ح ط ى يا يب يج يد يه يو ؛ فظاهر ان افرادها
اثنا عشر فقط ، وان ثنائياتها تحصل من انضمام ه مع كل واحد مما بعده و
هو احد عشر ، ثم من انضمام و مع كل واحد مما بعده و هو عشرة ، و هكذا
فيما بعده ، والمجموع يحصل من جمع الاعداد المتوالية من واحد الى
احد عشر و هو ستة و ستون لاغير و هي حاصل الثنائيات . واما الثلاثيات فيحصل
من انضمام ه مع و و مع كل واحد واحد من الباقية و هي عشرة ، ثم من انضمام
ه مع ز و مع كل واحد واحد مما بعدهما ، و هي تسعة ؛ و هكذا الى ان

ثم الاعداد و يحصل عدد مركب من الواحد الى العشرة على التوالى و هو خمسة و خمسون يكون ه احدا جزاء جميعها ، ثم يخلى عن ه و يعتبر و مع ز و هما مع واحد واحد من الباقية يحصل تسعة و من اعتبار و مع ح و هما مع واحد واحد مما بعد هما يحصل ثمانية ، و هكذا الى الآخر و يحصل عدد مركب من الواحد الى السبعة على التوالى و هو خمسة و اربعون. و على هذا القياس يعتبر مما بعد و و يحصل لنا اعداد مركبة من الواحد الى الثمانية و من الواحد الى السبعة الى ان ينتهى الى الواحد وحده ، و يكون الاعداد جميعها هذه: نه،مه،لو، كح، كا،يه،ى،و ،ج،ا؛و مجموعها ٢٢٠ و ذلك هو حاصل الثلاثيات. و اما الرباعيات فيكون فى الاعتبار الاول ه و ز مع واحد واحد من السبعة الباقية ؛ ثم اعتبار ه و مع اثنين اثنين مما بعدهما ؛ ثم اعتبار ه مع ثلثة ثلثة يحصل ما يجمع من الواحد مضموما الى الاعداد المتوالية التى بعدها الى تسعة ، ثم منه الى ثمانية ، ثم منه الى سبعة ، و هكذا الى الواحد وحده و يحصل من الجميع هذه الاعداد : فسه ، قكث : مد ، نو ، له ،ك ،ى ، د ، ا ، و مجموعها : ٤٩٥ ، و ذلك هو حاصل الرباعيات. و على هذا القياس يعمل فى طلب الازدواجات الخماسية ، و يحصل عدة الاعداد متوالية فى آخر العمل : سل ، رى ،قكو ع ، له ، يه ،ه ، ا ؛ و مجموعها : ٧٩٢ ؛ و هو حاصل الخماسيات . و يعمل ايضا فى طلب الازدواجات السداسية مثل ذلك فيحصل هذه الاعداد : فسث ، رىب ، قكو ، نو ، كا ،و ، ا ، و مجموعها : ٩٢٤ ، و هو حاصل السداسيات. و قد ذكرنا ان السباعيات تكون مثل الخماسيات ؛ و السداسيات مثل الرباعيات ، و السباعيات مثل الثلاثيات ؛ و العشاريات مثل الثنائيات ؛ و الاحد عشريات مثل الافراد ، و الاثنا عشرى و احد لا غير ؛ و المجموع ما ذكرناه من العدد .

فهذا ما اردت تقديمه ؛ و لنعد الى المقصود ؛ فنقول : اذا اعتبرنا

المبادی الاربعة المذکورة مع الاثنی عشر التی فی المرتبة الثالثة ، افرادا او ثنائیات و ثلاثیات ، الی الستة عشر التی هی المجموع ، تحصل من کیفیة کسرة عمدتها ما ذکرنا . اما اعتبار الاحاد افرادی فلا یزید علی ۱۲ شیء من معلولات العدد الذی فی المرتبة الثالثة ؛ لان المبادی لا یجوز ان یصیر مرة اخری مبادی لشیء من المعلولات .

و اما الثنائیات ، فحاصلها فی اعتبار الاثنی عشر ستة وستون کما مر ؛ و یحصل من انضمام کل واحد من المبادی مع واحد واحد من الاثنی عشر ، ما یحصل فی ضرب اربعة فی اثنی عشر وهو ثمانیة و اربعون والجمیع ۱۱۴ لا مزید علیه .

و اما الثلاثیات ، فحاصل الثلاثیات الاثنی عشریة ۲۲۰ ، والحاصل من انضمام کل واحد من المبادی الی واحد واحد من حاصل الثنائیات الاثنی عشریة ، ما یحصل من ضرب اربعة فی ستة وستین و هو مائتان و اربعة و ستون ؛ ومن انضمام کل اثنین من المبادی الی کل واحد من الاثنی عشر ، ما یحصل من ضرب ستة فی اثنی عشر و هو اثنان وسبعون ؛ والمجموع ۵۵۶ لا مزید علیه .

و اما الرباعیات ، فحاصل الرباعیات الاثنی عشریة اربعمائة و خمسة و تسعون ؛ والحاصل من انضمام کل واحد من المبادی الی حاصل الثلاثیات الذی هو مائتان و عشرون ، ما یحصل من ضرب اربعة فیه و هو ثمانمائة و ثمانون ؛ ومن انضمام کل اثنین من المبادی الی حاصل الثنائیات الذی هو ستة و ستون ، ما یحصل من ضرب ستة فیه و هو ثلثمائة و ستة و تسعون ؛ ومن انضمام ثلاثة من المبادی الی حاصل الافراد و هو اثنا عشر ، ما یحصل من ضرب اربعة فیه و هو ثمانیة و اربعون والمجموع ۱۸۱۹ لا مزید .

و اما الخماسیات ، فحاصلها الاثنا عشریة سبعمائة و اثنان و تسعون ،

والحاصل من انضمام کل واحد من المبادی الی حاصل الرباعیات ما یحصل من ضرب اربعة فی اربعمائة و خمسة و سبعین و هو الف و سبعمائة و ثمانون ؛ و من انضمام کل اثنین منها الی حاصل الثلاثیات ، ما یحصل من ضرب ستة فی مائتین و عشرین و هو الف و ثلثمائة و عشرون ؛ و من انضمام کل ثلثة منها الی حاصل الثنائیات ، ما یحصل من ضرب اربعة فی ستة و ستین و هو مائتان و اربعة و ستون . و من انضمام المبادی الاربعة الی حاصل الافراد ما یحصل من ضرب واحد فی اثنی عشر والمجموع ٤٣٦٨ .

و اما السداسیات فحاصلها الاثنا عشری سبعمائة و اربعة و عشرون و من انضمام واحد واحد من المبادی الی حاصل الخماسیات ثلثة آلاف و مائة و ثمانیة و ستون ؛ و من اثنین اثنین الی حاصل الرباعیات اثنان و سبعمائة و سبعون ؛ و من ثلثة ثلثة الی حاصل الثلاثیات ثمانمائة و ثمانون . و من الاربعة الی حاصل الثنائیات ستة و ستون و المجموع ٨٠٠٨

و اما السباعیات فحاصلها الاثنا عشری سبعمائة و اثنان و تسعون ؛ والحاصل من انضمام احاد المبادی الی حاصل السداسیات ثلثة آلاف و ستمائة و ستة و تسعون . و من انضمام ثنائیاتها الی حاصل الخماسیات اربعة آلاف و سبعمائة و اثنان و خمسون . و من ثلاثیاتها الی حاصل الرباعیات الف و سبعمائة و ثمانون . و من اربعتها الی حاصل الثلاثیات مائتان و عشرون و المجموع ١١٤٤٠ .

و اما الثمانیات فحاصلها الاثنا عشری اربعمائة و خمسة و تسعون ، والحاصل من احاد المبادی مع حاصل السباعیات ثلثة آلاف و مائة و ثمانیة و ستون ؛ و من ثنائیاتها مع حاصل السداسیات خمسة آلاف و خمسمائة و اربعة و اربعون ؛ و من ثلاثیاتها مع حاصل الخماسیات ثلثة آلاف و مائة و ثمانیة و ستون ؛ و من اربعتها مع حاصل الرباعیات اربعمائة و خمسة و تسعون والمجموع یکون ١٢٨٧٠

و اما التساعيات ، فحاصلها الاثناعشري مائتان وعشرون ؛ والحاصل من آحاد المبادی مع حاصل الثمانيات الف و سبعمائه وثمانون ، ومن ثنائياتها مع حاصل السباعيات اربعة الاف وسبعمائه واثنان و خمسون ، ومن ثلاثياتها مع حاصل السداسيات ثلثة الاف و ستمائه و ستة و تسعون ، ومن اربعها في حاصل الخماسيات سبعمائه واثنان و تسعون والمجموع ۱۱٤٤۰

و اما العشاريات ، فحاصلها الاثناعشري ستة وستون ، و الحاصل من احاد المبادی مع حاصل التساعيات ثمانمائه و ثمانون ، و من ثنائياتها مع حاصل الثمانيات الفان وتسعمائه وسبعون ، ومن ثلاثياتها مع حاصل السباعيات ثلثة آلاف ومائه و ثمانيه وستون ؛ ومن اربعها مع حاصل السداسيات تسعمائه و اربعه و عشرون والمجموع ۸۰۰۸

واما الاحد عشريات ، فحاصلها الاثناعشري اثناعشر و الحاصل من آحاد المبادی مع حاصل العشاريات مائتان و اربعه وستون ، ومن ثنائياتها مع حاصل التساعيات الف وثلثمائه وعشرون ؛ ومن ثلاثياتها مع حاصل الثمانيات الف و تسعمائة وثمانون ؛ ومن اربعها مع حاصل السباعيات سبعمائه واثنان وتسعون و المجموع ٤٣٦٨

و اما الاثناعشريات ، فحاصلها الاثنی عشری واحد ؛ والحاصل من احاد المبادی مع حاصل الاحدعشريات ستة واربعون ، ومن ثنائياتها مع حاصل العشاريات ثلثمائه وستة و تسعون ؛ و من ثلاثياتها مع حاصل التساعيات ثمانمائه وثمانون ؛ ومن اربعها مع حاصل الثمانيات اربعمائه وخمسه و تسعون والمجموع ۱۸۲۰

و اما الثلثة عشريات ، فليس لها حاصل اثنی عشری ؛ و الحاصل من احاد المبادی مع حاصل الاثناعشری اربعه ؛ و من ثنائياتها مع حاصل الاحد عشريات اثنان و سبعون ؛ ومن ثلاثياتها مع حاصل العشاريات ثلثمائه و ستة و تسعون ؛ و من اربعتها مع حاصل التساعيات مائتان و عشرون والمجموع ۲۹۲

و اما الاربعة عشر يات ، فليس لها حاصل اثناعشری ، ولاحاصل مع احادالمبادی ؛ والحاصل من ثنائيات المبادی مع الحاصل من الاثنی عشری سه ؛ ومن ثلاثياتها مع حاصل الاحدعشريات ثمانمائة و اربعون ، و من اربعها مع حاصل العشاريات ستة وستون والمجموع ۱۲۰

واما الخمسه عشريات ، فليس لها حاصل اثناعشری ، ولاحاصل مع آحادالمبادی وثنائياتها ، والحاصل من ثلاثياتها مع الحاصل الاثناعشری اربعه ؛ ومن اربعتها مع حاصل الاحدعشريات اثناعشر والمجموع ۱٦ .

و اما الستة عشريه فواحد لاغير .

و اذن حصل لنا من هذه الازدواجات هذه الاعداد : الافراد : ۱۲ ؛ الثنائيات : ۱۱٤ ؛ الثلاثيات : ٥٥٦ ؛ الرباعيات : ۱۸۱۹ ؛ الخماسيات : ٤۳٦۸ ؛ السداسيات : ۸۰۰۸ ؛ السباعيات ۱۱٤٤۰ ؛ الثمانيات : ۱۲۸۷۰ ؛ التساعيات ، ۱۱٤٤۰ ، العشاريات : ۸۰۰۸ ؛ الاحدعشريات : ٤۳٤۸ ، الاثناعشريات : ۱۸۲۰ ؛ الثلثةعشريات : ٦۹۲ ؛ الاربعةعشريات : ۱۲۰ ؛ الخمسةعشريات : ٦۱ ؛ الستةعشری : ۱ ، والمجموع الحاصل من ذلک خمسة وستون الفاوسبمائة واثنان و خمسون عدداً هی اعدادالمعلولات التی يمکن ان يقع فی الدرجة الرابعةالمعلولات من عندالمبدأالاول من غير توسط البعض للبعض ومن غير سائر الاعتبارات والجهات التی لا توجد بالاستقلال . وان اعتبر مابعد هذه المرتبة ، وعدمايقع فيها ، صارت الاعداد غير الانضباط لكثرتها . و قد تبين من ذلک امکان صدور الکثرة التی لا ينحصر من المبدأ الاول ، علی شريطة ان لا يصدر من واحد الا واحد ، من غير ان يکون المعلولات متسلسلة . وذلک ما اردت بيانه فی هذه المسئلة . والله اعلم بالصواب (از روی نسخهٔ ش ۱۰۷۹/۱۲ دانشگاه ص ۳۰۵ فهرست)

در روضة التسليم که از خواجهٔ طوسی بنداشته اند هم در تصور دوم

وبویژه سوم از قاعدهٔ «لا یصدر عن الواحد الا الواحد» کاوش شده ولی سخنان درست و استوار در آن نیامده است. در کشف المحجوب سجستانی و راحة العقل کرمانی و زاد المسافرین ناصر خسرو و گشایش و رهایش و روشنائی نامهٔ او یادی از آن نگشته مگر اینکه قبادیانی در صفت بیست و هفتم خوان الاخوان (ص ۷۵) می‌نویسد: «علت همهٔ بودها کلمهٔ باری سبحانه است و آن کلمه یکیست و معلول او بجمعت بی هیچ میانجی یکی لازم آید تا با میانجی آن یک معلول دیگر معلولات پدید آید». در جامع الحکمتین هم (ص ۱۴۵) و شرح قصیدهٔ ابوالهیثم از محمد بن سرخ نیشابوری (ص ۳۶) هم بتوان سخنانی در این زمینه یافت.

در کتابخانهٔ دانشگاه (ش ۲/ ۸۸۰ - ص ۳۹۷ فهرست نگارنده) رساله‌ای است دربارهٔ قاعدهٔ «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» و بسیار سودمند می‌باشد.

این بود آنچه از خواجهٔ طوسی در این زمینه در دسترس داشته و در اینجا آورده‌ام و چنین بود آگاهی نگارنده از این قاعدهٔ فلسفی.

محمد تقی دانش پژوه

اردی بهشت ۱۳۳۵

انتشارات دانشگاه تهران

- وراثت (۱)	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
- A Strain Theory of Matter	» » محمود حسابی
- آراء فلاسفه در بارهٔ عادت	ترجمهٔ » برزو سپهری
- کالبدشناسی هنری	تألیف » نعمت‌الله کیهانی
- تاریخ بیهقی جلد دوم	بتصحیح سعید نفیسی
- بیماریهای دندان	تألیف دکتر محمود سیاسی
- بهداشت و بازرسی خوراکیها	» » سرهنگ شمس
- حماسه سرائی در ایران	» » ذبیح‌الله صفا
- مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی	» » محمد معین
- نقشه برداری جلد دوم	» مهندس حسن شمسی
- گیاه شناسی	» حسین گل گلاب
- اساس الاقتباس خواجه نصیر طوسی	بتصحیح مدرس رضوی
- تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد اول	تألیف دکتر حسن ستودهٔ تهرانی
- روش تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
- تاریخ افضل - بدایع الازمان فی وقایع کرمان	فراهم آوردهٔ دکتر مهدی بیانی
- حقوق اساسی	تألیف دکتر قاسم زاده
- فقه و تجارت	» زین‌العابدین ذوالمجدین
- راهنمای دانشگاه	—
- مقررات دانشگاه	—
- درختان جنگلی ایران	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
- راهنمای دانشگاه بانگلیسی	—
- راهنمای دانشگاه بفرانسه	—
- Les Espaces Normaux	تألیف دکتر هشترودی
- موسیقی دورهٔ ساسانی	» مهدی برکشلی
- حماسه ملی ایران	ترجمهٔ بزرگ علوی
- زیست شناسی (۲) بحث در نظریهٔ لامارك	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
- هندسه تحلیلی	» » علینقی وحدتی
- اصول گداز و استخراج فلزات جلد اول	تألیف دکتر یگانه حایری
- اصول گداز و استخراج فلزات » دوم	» » »
- اصول گداز و استخراج فلزات » سوم	» » »
- ریاضیات در شیمی	» » [illegible]
- جنگل شناسی جلد اول	» [illegible]
- اصول آموزش و پرورش	[illegible]
- فیزیولوژی گیاهی جلد اول	[illegible]

٣٧- تحقیق انتقادی در عروض فارسی	» » پرویز ناتل خانلری
٣٨- تاریخ صنایع ایران - ظروف سفالین	» » مهدی بهرامی
٣٩- واژه نامه طبری	» » صادق کیا
٤٠- تاریخ صنایع اروپا درقرون وسطی	» عیسی بهنام
٤١- تاریخ اسلام	» دکتر فیاض
٤٢- جانورشناسی عمومی	» » فاطمی
٤٣- Les Connexions Normales	» » هشترودی
٤٤- کالبدشناسی توصیفی (۱) - استخوان‌شناسی	» دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس - دکتر نائینی
٤٥- روان‌شناسی کودک	نگارش دکتر مهدی جلالی
٤٦- اصول شیمی پزشکی	» » آ . وارتانی
٤٧- ترجمه وشرح تبصرهٔ علامه جلداول	» زین‌العابدین ذوالمجدین
٤٨- آکوستیک « صوت » (۱) ارتعاشات - سرعت	» دکتر ضیاء الدین اسمعیل بیگی
٤٩- انگل شناسی	» » ناصر انصاری
٥٠- نظریه توابع متغیر مختلط	» » افضلی‌پور
٥١- هندسه ترسیمی و هندسه رقومی	» احمد بیرشک
٥٢- درس‌اللغة والادب (۱)	» دکتر محمدی
٥٣- جانورشناسی سیستماتیک	» » آزرم
٥٤- پزشکی عملی	» » نجم‌آبادی
٥٥- روش تهیه مواد آلی	» » صفوی گلپایگانی
٥٦- مامائی	» » آهی
٥٧- فیزیولوژی گیاهی جلددوم	» » زاهدی
٥٨- فلسفه آموزش و پرورش	» دکتر فتح‌الله امیرهوشمند
٥٩- شیمی تجزیه	» » علی‌اکبر پریمن
٦٠- شیمی عمومی	» مهندس سعیدی
٦١- امیل	ترجمهٔ مرحوم غلامحسین زیرک‌زاده
٦٢- اصول علم اقتصاد	تألیف دکتر محمود کیهان
٦٣- مقاومت مصالح	» مهندس گوهریان
٦٤- کشت گیاه حشره‌کش پیرتر	» مهندس میردامادی
٦٥- آسیب شناسی	» دکتر آرمین
٦٦- مکانیک فیزیک	» د کمال جناب
٦٧- کالبدشناسی توصیفی (۲) - مفصل شناسی	تألیف دکتر امیراعلم - دکتر حکیم دکتر کیهانی - دکتر نجم آبادی - دکتر نیک نفس
٦٨- درمانشناسی جلد اول	تألیف دکتر عطائی
٦٩- درمانشناسی » دوم	» » »
٧٠- گیاه شناسی - تشریح عمومی نباتات	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
٧١- شیمی آنالیتیک	» دکتر گاگیک
٧٢- اقتصاد جلداول	» » علی‌اصغر پورهمایون

[illegible]	تألیف دکتر [illegible]
تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد دوم	« « حسن ستوده تهرانی
زیبا شناسی	« علینقی وزیری
تئوری سینتیک گازها	« دکتر روشن
کارآموزی داروسازی	« « جنیدی
قوانین دامپزشکی	« « میمندی‌نژاد
جنگل‌شناسی جلد دوم	« مرحوم مهندس ساعی
استقلال آمریکا	« دکتر مجیر شیبانی
کنجکاویهای علمی و ادبی	—
ادوار فقه	« محمود شهابی
دینامیک گازها	« دکتر غفاری
آئین دادرسی دراسلام	« محمد سنگلجی
ادبیات فرانسه	« دکتر سپهبدی
از سربن تا یونسکو ـ دو ماه در پاریس	« « علی‌اکبر سیاسی
حقوق تطبیقی	« « حسن افشار
میکروب‌شناسی جلد اول	تألیف دکتر سهراب ـ دکتر میردامادی
میزراه جلد اول	« « حسین گلاژی
« « دوم	« « « «
کالبد شکافی (تشریح عملی دست و پا)	« « نعمت‌الله کیهانی
ترجمه و شرح تبصره علامه جلد دوم	« زین‌العابدین ذوالمجدین
کالبد شناسی توصیفی (۳) ـ عضله شناسی	« دکتر امیراعلم ـ دکتر حکیم دکتر کیهانی ـ دکتر نجم‌آبادی ـ دکتر نیک‌نفس
« « (۴) ـ رگ شناسی	« « « «
بیماریهای گوش و حلق و بینی جلد اول	تألیف دکتر جمشید اعلم
هندسهٔ تحلیلی	« « کامکار پارسی
جبر و آنالیز	« « « «
تفوق و برتری اسپانیا (۱۵۵۹ـ۱۶۶۰)	« « بیانی
کالبدشناسی توصیفی ـ استخوان‌شناسی اسب	« « میربابائی
تاریخ عقاید سیاسی	« « محسن عزیزی
آزمایش و تصفیه آبها	نگارش دکتر محمد جواد جنیدی
هشت مقاله تاریخی و ادبی	« نصرالله فلسفی
فیه مافیه	« بدیع‌الزمان فروزانفر
جغرافیای اقتصادی جلد اول	« دکتر محسن عزیزی
الکتریسیته و موارد استعمال آن	« مهندس عبدالله ریاضی
مبادلات انرژی درگیاه	« دکتر اسمعیل زاهدی
تلخیص البیان عن مجازات القرآن	« سید محمد باقر سبزواری
دو رساله ـ وضع الفاظ و قاعده لاضرر	« محمود شهابی
شیمی آلی جلداول تئوری و اصول کلی	« دکتر [illegible]
شیمی آلی «ارگانیک» جلداول	[illegible]

۱۱۵ـ آنالیز ریاضی	« » منوچهر وصال
۱۱۶ـ هندسه تحلیلی	« » احمد عقیلی
۱۱۷ـ شکسته بندی جلد دوم	« » امیر کیا
۱۱۸ـ باغبانی (۱) باغبانی عمومی	« مهندس شیبانی
۱۱۹ـ اساس التوحید	« مهدی آشتیانی
۱۲۰ـ فیزیك پزشکی	« دکتر فرهاد
۱۲۱ـ آکوستیك «صوت» (۲) مشخصات صوت - لوله - تار	« » اسمعیل بیگی
۱۲۲ـ جراحی فوری اطفال	« » مرعشی
۱۲۳ـ فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (۱)	« علینقی منزوی تهرانی
۱۲۴ـ چشم پزشکی جلداول	« دکتر ضرابی
۱۲۵ـ شیمی فیزیك	« » بازرگان
۱۲۶ـ بیماریهای گیاه	« » خبیری
۱۲۷ـ بحث در مسائل پرورش اخلاقی	« » سپهری
۱۲۸ـ اصول عقاید و کرائم اخلاق	« زین العابدین ذوالمجدین
۱۲۹ـ تاریخ کشاورزی	« دکتر تقی بهرامی
۱۳۰ـ کالبدشناسی انسانی (۱) سر و گردن	« » حکیم و دکتر گنج بخش
۱۳۱ـ امراض واگیر دام	« » رستگار
۱۳۲ـ درس اللغة و الادب (۳)	« » محمدی
۱۳۳ـ واژه نامه گرگانی	« » صادق کیا
۱۳۴ـ تك یاخته شناسی	« » عزیز رفیعی
۱۳۵ـ حقوق اساسی چاپ پنجم (اصلاح شده)	« » قاسم زاده
۱۳۶ـ عضله و زیبائی پلاستیك	« » کیهانی
۱۳۷ـ طیف جذبی و اشعه ایکس	« » فاضل زندی
۱۳۸ـ مصنفات افضل الدین کاشانی	« » مینوی و یحیی مهدوی
۱۳۹ـ روانشناسی (از لحاظ تربیت)	« » علی اکبر سیاسی
۱۴۰ـ ترمودینامیك (۱)	« مهندس بازرگان
۱۴۱ـ بهداشت روستائی	نگارش دکتر زوین
۱۴۲ـ زمین شناسی	« » یدالله سحابی
۱۴۳ـ مکانیك عمومی	« » مجتبی ریاضی
۱۴۴ـ فیزیولوژی جلداول	« » کاتوزیان
۱۴۵ـ کالبدشناسی و فیزیولوژی	« » نصرالله نیك نفس
۱۴۶ـ تاریخ تمدن ساسانی جلداول	« سعید نفیسی
۱۴۷ـ کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت اول	« دکتر امیراعلم ـ دکتر حکیم
سلسله اعصاب محیطی	دکتر کیهانی ـ دکتر نجم آبادی ـ دکتر نیك نا
۱۴۸ـ کالبدشناسی توصیفی (۵) قسمت دوم	« « « «
سلسله اعصاب مرکزی	
۱۴۹ـ کالبدشناسی توصیفی (۶) اعضای حواس پنجگانه	« « « «
۱۵۰ـ هندسه عالی (گروه و هندسه)	تألیف دکتر اسدالله آل بویه
۱۵۱ـ اندام شناسی گیاهان	« » پارسا

۱۵٤- [illegible]	« [illegible]
۱۵۵- شیمی آلی (ارگانیک) (۳)	« دکتر شیخ
۱۵٦- آسیب شناسی (گاسگلیوف استار)	« « آرمین
۱۵۷- تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی	« « ذبیح‌الله صفا
۱۵۸- تفسیر خواجه عبدالله انصاری	بتصحیح علی‌اصغر حکمت
۱۵۹- حشره‌شناسی	تألیف جلال افشار
۱٦۰- نشانه‌شناسی (علم‌العلامات) جلد اول	« دکتر محمدحسین میمندی‌نژاد
۱٦۱- نشانه‌شناسی بیماریهای اعصاب	« « صادق صبا
۱٦۲- آسیب‌شناسی عملی	« « حسین رحمتیان
۱٦۳- احتمالات و آمار	« « مهدوی اردبیلی
۱٦٤- الکتریسته صنعتی	« « محمد مظفری زنگنه
۱٦۵- آئین دادرسی کیفری	« « محمدعلی هدایتی
۱٦٦- اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده)	« « علی‌اصغر پورهمایون
۱٦۷- فیزیک (تابش)	« « روشن
۱٦۸- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد دوم)	« علینقی منزوی
۱٦۹- « « « « « (جلد سوم - قسمت اول)	« محمدتقی دانش‌پژوه
۱۷۰- رساله بود و نمود	« محمود شهابی
۱۷۱- زندگانی شاه‌عباس اول	« نصرالله فلسفی
۱۷۲- تاریخ بیهقی (جلد سوم)	بتصحیح سعید نفیسی
۱۷۳- فهرست نشریات ابوعلی سینا بزبان فرانسه	« « «
۱۷٤- تاریخ مصر (جلد اول)	تألیف احمد بهمنش
۱۷۵- آسیب‌شناسی آزردگی سیستم رتیکولوآندوتلیال	« دکتر آرمین
۱۷٦- نهضت ادبیات فرانسه در دوره رومانتیک	« مرحوم زیرک‌زاده
۱۷۷- فیزیولوژی (طب عمومی)	نگارش دکتر مصباح
۱۷۸- خطوط لبه‌های جذبی (اشعه ایکس)	« « زندی
۱۷۹- تاریخ مصر (جلد دوم)	« احمد بهمنش
۱۸۰- سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین	« دکتر صدیق اعلم
۱۸۱- فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد سوم - قسمت دوم)	« محمدتقی دانش‌پژوه
۱۸۲- اصول فن کتابداری	« دکتر محسن صبا
۱۸۳- رادیو الکتریسیته	« « رحیمی
۱۸٤- بوره	« « محمود سیاسی
۱۸۵- چهار رساله	« محمود سنگلجی
۱۸٦- آسیب‌شناسی (جلد دوم)	« دکتر آرمین
۱۸۷- یادداشتهای مرحوم قزوینی	فراهم آورده آقای ایرج افشار
۱۸۸- استخوان‌شناسی مقایسه‌ای (جلد دوم)	تألیف دکتر میربابائی
۱۸۹- جغرافیای عمومی (جلد اول)	« [illegible]
۱۹۰- بیماریهای واگیر (جلد اول)	[illegible]
۱۹۱- فن فولادی (جلد اول)	[illegible]

۱۹۳ـ [illegible]	ترجمه آقای محمودشهابی
۱۹۴ـ تاریخ ادبیات روسی	تألیف « سعید نفیسی
۱۹۵ـ تاریخ تمدن ایران ساسانی (جلددوم)	« « « «
۱۹۶ـ درمان تراخم با الکتروکوآگولاسیون	« دکتر پرفسور شمس
۱۹۷ـ شیمی وفیزیك (جلداول)	« « توسلی
۱۹۸ـ فیزیولوژی عمومی	« « شیبانی
۱۹۹ـ داروسازی جالینوسی	« « مقدم
۲۰۰ـ علم العلامات نشانه‌شناسی (جلد دوم)	« « میمندی نژاد
۲۰۱ـ استخوان شناسی (جلد اول)	« « نعمت‌اله کیهانی
۲۰۲ـ بیوره (جلد دوم)	« « محمود سیاسی
۲۰۳ـ علم النفس ابن‌سینا وتطبیق آن با روانشناسی جدید	« « علی‌اکبر سیاسی
۲۰۴ـ قواعدفقه	« آقای محمودشهابی
۲۰۵ـ تاریخ سیاسی ودیپلوماسی ایران	« دکتر علی‌اکبر بینا
۲۰۶ـ فهرست مصنفات ابن‌سینا	« « مهدوی
۲۰۷ـ مخارج الحروف	تصحیح وترجمهٔ دکتر پرویز ناتل خانلری
۲۰۸ـ عیون الحکمه	ازابن‌سینا ـ چاپ عکسی
۲۰۹ـ شیمی بیولوژی	تألیف دکتر مافی
۲۱۰ـ میکربشناسی (جلد دوم)	« آقایان دکتر سهراب ـ دکتر میردامادی
۲۱۱ـ حشرات زیان‌آور ایران	« مهندس عباس دواچی
۲۱۲ـ هواشناسی	« دکتر محمد منجمی
۲۱۳ـ حقوق مدنی	« « سیدحسن امامی
۲۱۴ـ ماخذ قصص وتمثیلات مثنوی	نگارش آقای فروزانفر
۲۱۵ـ مکانیك استدلالی	« پرفسور فاطمی
۲۱۶ـ ترمودینامیك (جلد دوم)	« مهندس بازرگان
۲۱۷ـ گروه بندی وانتقال خون	« دکتریحیی پویا
۲۱۸ـ فیزیك، ترمودینامیك (جلداول)	« « روشن
۲۱۹ـ روان پزشکی (جلدسوم)	« « میرسپاسی
۲۲۰ـ بیماریهای درونی (جلداول)	« « میمندی نژاد
۲۲۱ـ حالات عصبانی یانوروز	ترجمه « چهرازی
۲۲۲ـ کالبدشناسی توصیفی (۷) (دستگاه گوارش)	تألیف دکتر امیراعلم ـ دکتر حکیم دکتر کیهانی ـ دکتر نجم‌آبادی ـ دکتر [illegible]
۲۲۳ـ علم الاجتماع	تألیف دکتر مهدوی
۲۲۴ـ الهیات	« فاضل تونی
۲۲۵ـ هیدرولیك عمومی	« مهندس ریاضی
۲۲۶ـ شیمی عمومی معدنی فلزات (جلداول)	تألیف دکتر فضل‌الله شیروانی
۲۲۷ـ آسیب‌شناسی آزردگیهای سورنال « غده دوو کلیوی »	« « آرمین
۲۲۸ـ اصول الصرف	« علی‌اکبر شهابی
۲۲۹ـ سازمان فرهنگی ایران	تألیف دکتر رعدی

۲۳۱- راهنمای دانشگاه	—
۲۳۲- مجموعهٔ اصطلاحات علمی	—
۲۳۳- بهداشت غذائی (بهداشت نسل)	نگارش دکتر فضل‌الله صدیق
۲۳۴- جغرافیای کشاورزی ایران	» دکتر تقی بهرامی
۲۳۵- ترجمه‌النهایه باتصحیح ومقدمه (۱)	» آقای سیدمحمد سبزواری
۲۳۶- احتمالات و آمار ریاضی (۲)	» دکتر مهدوی اردبیلی
۲۳۷- اصول تشریح چوب	» مهندس رضا حجازی
۲۳۸- خون‌شناسی عملی (جلداول)	» دکتر رحمتیان دکتر شمسا
۲۳۹- تاریخ ملل قدیم آسیای غربی	» » بهمنش
۲۴۰- شیمی تجزیه	» » شیروانی
۲۴۱- دانشگاهها و مدارس عالی امریکا	» رضیاءالدین اسمعیل بیکی
۲۴۲- پانزده گفتار	» آقای مجتبی مینوی
۲۴۳- بیماریهای خون (جلد دوم)	» دکتر یحیی پویا
۲۴۴- اقتصاد کشاورزی	» » احمد هومن
۲۴۵- علم‌العلامات (جلدسوم)	» » میمندی نژاد
۲۴۶- بتن آرمه (۲)	» آقای مهندس خلیلی
۲۴۷- هندسهٔ دیفرانسیل	» دکتر بهروز
۲۴۸- فیزیولوژی گل ورده بندی تک لپه ایها	» » راهدی
۲۴۹- تاریخ زندیه	» » هادی هدایتی
۲۵۰- ترجمه‌النهایه باتصحیح ومقدمه (۲)	» آقای سبزواری
۲۵۱- حقوق مدنی (۲)	نگارش دکتر امامی
۲۵۲- دفتر دانش و ادب (جزء دوم)	—
۲۵۳- یادداشتهای قزوینی (جلد دوم ب، ت، ث، ج)	» ایرج افشار
۲۵۴- تفوق و برتری اسپانیا	» دکتر خانبابا بیانی
۲۵۵- تیره شناسی (جلد اول)	» » احمد پارسا
۲۵۶- کالبد شناسی توصیفی (۸) دستگاه ادرار و تناسل - پردهٔ صفاق	تألیف دکتر امیر اعلم - دکتر حکیم - دکتر کیهانی دکتر نجم‌آبادی - دکتر نیک نفس
۲۵۷- حل مسائل هندسه تحلیلی	نگارش دکتر علینقی وحدتی
۲۵۸- کالبد شناسی توصیفی (حیوانات اهلی مفصل شناسی مقایسه‌ای)	» » میربابائی
۲۵۹- اصول ساختمان و محاسبه ماشینهای برق	» مهندس احمد رضوی
۲۶۰- بیماریهای خون ولنف (بررسی بالینی و آسیب شناسی)	» دکتر رحمتیان
۲۶۱- سرطان‌شناسی (جلد اول)	» » آرمین
۲۶۲- شکسته بندی (جلد سوم)	» » امیر کیا
۲۶۳- بیماریهای واگیر (جلددوم)	» » نیکنفس
۲۶۴- انگل‌شناسی (بندپائیان)	» » [illegible]
۲۶۵- بیماریهای درونی (جلددوم)	» » [illegible]
۲۶۶- دامپروری عمومی (جلداول)	[illegible]
۲۶۷- فیزیولوژی (جلددوم)	[illegible]
۲۶۸- [illegible]	[illegible]

۲۷۰ـ منطق التلویحات	» دکتر فیاض
۲۷۱ـ حقوق جنائی	» » عبدالحسین علی‌آبادی
۲۷۲ـ سمیولوژی اعصاب	» » چهرازی
۲۷۳ـ کالبد شناسی توصیفی (۹) (دستگاه تولید صوت و تنفس)	تألیف دکتر امیر اعلم ـ دکتر حکیم ـ دکتر کیهانی دکتر نجم‌آبادی ـ دکتر نیک‌نفس
۲۷۴ـ اصول آمار و کلیات آمار اقتصادی	نگارش دکتر محسن صبا
۲۷۵ـ گزارش کنفرانس اتمی ژنو	» » جناب ـ دکتر بازرگان
۲۷۶ـ امکان آلوده کردن آبهای مشروب	نگارش دکتر حسین سهراب ـ دکتر مهدوی‌نژاد
۲۷۷ـ مدخل منطق صورت	نگارش دکتر غلامحسین مصاحب
۲۷۸ـ ویروسها	» » فرج‌الله شفا
۲۷۹ـ تالفیت‌ها (آلکیها)	» » عزت‌الله حمیری
۲۸۰ـ گیاه‌شناسی سیستماتیک	» » محمد درویش
۲۸۱ـ تیره‌شناسی (جلد دوم)	» » پارسا
۲۸۲ـ احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی	» مدرس رضوی
۲۸۳ـ احادیث مثنوی	» آقای فروزانفر
۲۸۴ـ قواعد النحو	» قاسم تویسرکانی
۲۸۵ـ آزمایشهای فیزیک	» دکتر محمدباقر محمودیان
۲۸۶ـ پندنامه اهوازی یا آئین پزشکی	» » محمود نجم‌آبادی
۲۸۷ـ بیماریهای خون (جلد سوم)	» » یحیی پویا
۲۸۸ـ جنین شناسی (رویان‌شناسی) جلد اول	» » احمد شفائی
۲۸۹ـ مکانیک فیزیک (اندازه‌گیری، مکانیک نقطه مادی و فرضیه نسبی) (چاپ دوم)	» » کمال‌الدین جناب
۲۹۰ـ بیماریهای جراحی قفسه سینه (ریه، مری، قفسه سینه)	» » محمدعلی فرامیان
۲۹۱ـ اکوستیک (صوت) چاپ دوم	» » ضیاءالدین اسماعیل بیگی
۲۹۲ـ چهار مقاله	بتصحیح » محمد معین
۲۹۳ـ داریوش یکم (پادشاه پارسها)	نگارش » منشی‌زاده
۲۹۴ـ کالبدشکافی تشریح عملی سر و گردن ـ دستگاه اعصاب مرکزی	» » نعمت‌الله کیهانی
۲۹۵ـ درس اللغة و الادب (۱) چاپ دوم	» » [illegible]